

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۱۷ می ۲۰۱۹

[انتظاری بی سرانجام]

میروم هر لحظه از خود روبه روی کیستم
گرم گردیدست در میدانِ رندانِ نرد عشق
در بیابانهای ناکامی دویدم سالها
یادم آمد سبزه خط کد امین نوحی
بر سر هر رهگذر سایم جبین خویش را
یکدم از افغان، دلِ ناشاد من خالی نشد
ذره ای قدر و وقاری من نمی بینم ز خود
در دم مرگم ولی چشمم به سوی در بود
عشقوری عمرم به ظلمات شب هجران گذشت
بالمقابل با کیم؟ در گفت و گوی کیستم
سوی من آیا که باشد؟ من به سوی کیستم
آخر افتادم ز پا، در جست و جوی کیستم
اینقدر تازه دماغ، از نازبوی کیستم
من به ذوق بوسه ای از خاک کوی کیستم
از که دور افتاده ام؟ در های و هوی کیستم
اینقدر ها محترم از آبروی کیستم
انتظاری می کشم، در آرزوی کیستم
من سیه بخت اینقدر از تار موی کیستم